**شهر متکثر، محرومیت نسبی و هویت ملی: واکاوی نقش محرومیت نسبی و زیست شهری در هویت ملی**

**حسین حیدری**

استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی. تهران. ایران

[heidari@acecr.ac.ir](mailto:heidari@acecr.ac.ir)

**اسماعیل جهانی دولت آباد**

دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل. ایران

sml.jahani@gmail.com

**جواد مداحی**

استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی. تهران. ایران

[gmaddahi@ihss.ir](mailto:gmaddahi@ihss.ir)

**سعید کبیری**

استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی. تهران. ایران

skabiri@ihss.ir

چکیده

محرومیت نسبی ناظر بر یک نگرش ذهنی و نه لزوماً یک وضعیت عینی است که بیشتر از طریق مقایسه خود یا گروهی که فرد بدان منتسب است با افراد یا گروه‌های دیگر حاصل می‌شود. هدف این مقاله سنجش میزان محرومیت نسبی در بین شهروندان تبریزی و ترک­های ساکن تهران و ارزیابی تاثیر محرومیت نسبی گروهی بر هویت ملی این دو گروه است. چارچوب نظری پژوهش هویت اجتماعی تاجفل است که معتقد است ارتباط بین قومی و زندگی در فضای متکثر قومی باعث تقویت تمایزیافتگی و در نتیجه تقویت هویت­های درون­گروهی می­شود. روش پژوهش پیمایش و جامعه آماری ترک‌های تهران و شهروندان تبریزی است. حجم نمونه شامل 880 نمونه (440 نمونه تهران و 440 نمونه تبریز) است که از طریق فرمول کوکران محاسبه شده است. روش نمونه­گیری، روش نمونه­گیری خوشه­ای چندمرحله­ای است و نمونه­ها بعد از تعیین بلوک­ها، به صورت تصادفی انتخاب شده­اند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق­ساخته است. یافته­های پژوهش نشان داد که میزان محرومیت نسبی گروهی در بین شهروندان تبریزی بالاتر از ترک­های ساکن است. از بین ابعاد محرومیت نسبی گروهی، میزان شدت محرومیت نسبی فرهنگی بیشتر از ابعاد اقتصادی و سیاسی است و میزان شهروندان تبریزی بالاتر از ترک­های ساکن تهران است. در مقابل میزان هویت ملی ترک­های ساکن تهران بالاتر از شهروندان تبریزی است. از بین ابعاد هویت ملی نیز به ترتیب ابعاد آگاهی، تعهد و تعهد بالاترین میزان را دارا هستند. نتایج نشان داد فضای متکثر شهر تهران برخلاف نظر تاجفل که معتقد است شهرهای چندقومی باعث تمایزیافتگی بیشتر هویتی می­شود باعث همگرایی بیشتر در بین ساکنان آن شده و به کاهش محرومیت نسبی گروهی کمک کرده است. در مقابل فضای یکسان قومی در شهر تبریز باعث تقویت تصور تبعیض گروهی شده و محرومیت نسبی گروهی را در آن فضا تقویت کرده است.

**واژگان کلیدی:** تمایزیافتگی هویتی، هویت ملی، هویت اجتماعی، محرومیت نسبی گروهی.

# مقدمه

جامعه ایران جامعه­ای چند قومی است؛ به طوری‌که ایران شناسان نزدیک به 30 قوم ایرانی را شناسایی کرده‌اند و بسیاری از استان‌های کشور به طور مستقیم درگیر تنوع فرهنگی و تنوع قومی هستند (حاجیانی، 1379: 123) و شالوده و ویژگی اصلی جامعه ایران تنوع قومی و فرهنگی آن است. علی­رغم دلبستگی بالای اقوام ایرانی به هویت ملی، در برهه‌های مختلف تاریخی چالش­های متعددی برای کشور از ناحیه اقوام مختلف ایجاد شده است. به طوری که در یک‌صد سال گذشته اعتراضات قومی همواره به عنوان یکی از مسائل مهم امنیتی کشور مطرح بوده است. البته نباید از نظر دور داشت که قومیت و مذهب یکی از مهم‌ترین محرک‌های اصلی کشمکش‌ها و تنازعات دنیای جدید و از مهم‌ترین عوامل بحران در خاورمیانه است. ظهور داعش، شکل‌گیری گروه‌های مبارز مختلف در منطقه، تنش‌های قومی کرد در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه، آتش بحران زیر خاکستر مناقشات قومی در منطقه قفقاز که هر آن احتمال شروع درگیری‌های قومی وجود دارد، شکل‌گیری گروه‌های جهادی در سیستان و بلوچستان و بسیاری از شواهد دیگر نشان می‌دهد که ایران همواره از پتانسیل اعتراضات احتمالی بالایی برخوردار است.

یکی از عوامل مهمی که در این مسئله نقش محوری دارد محرومیت نسبی است. اگر چه بخشی از محرومیت نسبی از تفاوت در وضعیت عینی و عدم توسعه نشات می‌گیرد ولی بخش زیادی از آن ذهنی است. این احساس ممکن است ناشی از تبلیغات نادرست یا بزرگنمایی برخی مسائل به وجود آمده باشد و اگر شناخت دقیقی نسبت به مسئله وجود نداشته و عوامل مؤثر بر ظهور و بروز آن شناسایی و مدیریت نشود امکان به وجود آمدن چالش‌های بزرگ‌تر، خطراتی چون از هم‌گسیختگی اجتماعی، ظهور منازعات قومی و به خطر افتادن امنیت ملی را به دنبال داشته باشد. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که احساس محرومیت در بین گروه‌های اجتماعی مختلف در کشور وجود دارد. به طوری­که می­توان به احتمال بالایی پیش­بینی کرد که یکی از کانون‌های اصلی منازعه در کشور، احتمال بروز کشمکش و اعتراضات قومی است. در این بین هویت ملی همچون ملاتی است که می­تواند این تکه­های ماهمگون را به هم متصل کند. ولی این مرکز ثقل همبستگی از متغیرهای متعددی تاثیر می­پذیرد که یکی از مهمترین متغیرها احساس محرومیت در بین اقوام است. تأثیر محرومیت نسبی بر هویت ملی از سوی صاحب­نظران زيادي تائید شده است. تاجفل، ترنر و برانسکام (1999) بر نقش احساس محرومیت در برجسته شدن هویت قومی و تضعیف هویت ملی و پیوند هویت ملی و قومی تاکید داشته­اند (بوری، 1997: 589). ربانی و همکارانش (1387) در پژوهش خود جهت سنجش میزان تأثیر محرومیت نسبی بر هویت ملی و قومی به این نتیجه رسیدند که بین احساس محرومیت و هویت ملی و هویت قومی رابطه معنادار، معکوس و منفی وجود دارد و شدت رابطه و همبستگي بين آنها نیز نسبتاً بالا (r= 0/56) است. بررسي ايشان نشان می‌دهد كه برعکس رابطه بین احساس محرومیت و هویت ملی که منفی و کاهنده است، رابطه بین احساس محرومیت نسبی و هویت قومی مثبت و افزاینده است و هر چه میزان احساس محرومیت گروه­های قومی بیشتر می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه­گیری کرد که احساس محرومیت می‌تواند باعث کاهش هویت ملی در افراد شده و در ادامه باعث ایجاد و ظهور احساس محرومیت و تبعیض در فرد شده و هویت قومی و حتی واگرایی را برجسته را تقویت نماید. بررسی و مقایسه میزان و شدت تأثیرگذاری متغیر احساس محرومیت بر هویت ملی و قومی نشان می­دهد که این متغیر بیش از آنکه تأثیر مثبت بر هویت قومی داشته باشد و باعث افزایش هویت قومی شود، تأثیر منفی بر هویت ملی دارد و شدت اثرگذاری آن بر هویت ملی به مراتب بيشتر از تأثیر آن بر هویت قومی و افزایش هویت قومی است.

محرومیت نسبی مثل هر پدیده اجتماعی، خود از متغیرهایی تأثیر پذیرفته و در مقابل بر متغیرهای دیگری تأثیر می­گذارد. محرومیت نسبی حاصل مقایسه اجتماعی خود با فرد یا افراد دیگر و ما با دیگران است. سطوح مختلف مقایسه، شکل­گیری سطوح مختلف محرومیت نسبی را به دنبال دارد. احساس محرومیت بیشتر ناظر بر یک نگرش ذهنی و نه لزوماً یک وضعیت عینی است؛ این نگرش که بیشتر از طریق مقایسه خود یا گروهی که فرد بدان منتسب است با افراد یا گروه‌های دیگر حاصل می‌شود. به‌طوری که فرد با مقایسه وضعیت خود یا گروه عضویتی خود با افراد یا گروه‌های دیگر به این باور می‌رسد که وضعیتی که او یا گروهش در آن قرار دارد عادلانه نیست. از نظر مارتین و موری[[1]](#footnote-1) (1984) سه عنصر اساسی در نظریه محرومیت نسبی وجود دارد: توزیع منافع و نتایج عینی، انتخاب یک مرجع برای مقایسه و در نهایت یک حس محرومیت. بنابراین اگر افراد مقایسه‌ای انجام ندهند، نباید محرومیت نسبی را تجربه کنند؛ مقایسه الزامی است که محرومیت نسبی را از فرضیات قدیمی‌تر ناامیدی/ خشونت و سایر مدل‌های عدالت اجتماعی و تبعیض متمایز می‌کند. نكته مهم دیگر در بحث محروميت نسبي، نحوه گزينش افراد و يا گروه‏هايي است كه به عنوان مبناي مقايسه انتخاب مي‏شوند. به عنوان مثال، افرادي كه در بسياري از جوامع صنعتي در سطوح پايين نظام طبقاتي بسر مي‌برند، به طور عيني نسبت به بسياري از افراد واقع در مراتب بالاتر نظام طبقاتي در جوامع غيرصنعتي وضعيت زيستي بهتري دارند. اما آن دسته از افراد در جوامع صنعتي به هيچ عنوان از چنين مقايسه‏اي رضايت ندارند، زيرا آنان جوامع غيرصنعتي را به عنوان مبناي مقايسه انتخاب نمي‏كنند. به اين معنا، «محروميت نسبي هنگامي وجود خواهد داشت كه افراد در بطن نظام اجتماعي خاصي كه به آن تعلق دارند و در آن زندگي مي‏كنند خود را فاقد آن چيزهايي ببينند كه اعتقاد دارند بايد در اختيار داشته باشند» (Johnstone, 2005: 83).

تئوری محرومیت نسبی نشان می‌دهند که افراد از مقایسه‌ با افراد دیگر و گروه‌های دیگر یا مقایسه با خودشان در زمان‌های مختلف استفاده می‌کنند تا شرایط فعلی خود را ارزیابی کنند. اگر این مقایسه‌ها منجر به این شود که افراد باور کنند آن‌چه را که سزاوارش هستند را ندارند عصبانی و خشمگین خواهند شد. در محرومیت نسبی مقایسه‌های درون‌گروهی افراد در دوره‌های زمانی مختلف و تعیین گروه مرجع برای مقایسه بسیار اهمیت دارد. محرومیت نسبی نیازمند این است که افراد موقعیت خود را درباره آن‌چه که باید باشد را با استفاده از اصولی با برخی احتمالات دیگر مقایسه کنند. مثلاً اگر فردی باور داشته باشد تفاوت‌های منفی، منصفانه یا مشروع هستند بعید است که احساس خشم یا ناامیدی کنند، حتی اگر نابرخورداری‌شان را به رسمیت بشناسند (Folger, 1987). بسیاری از صاحب‌نظران محرومیت نسبی، مقایسه‌های نابرخورداری را به عنوان بخش شناختی محرومیت نسبی و خشم، عصبانیت و ناخشنودی (که همگی احساسات اخلاقی مرتبط با شایستگی و سزاوار بودن هستند) را بخش عاطفی آن می‌دانند (Crosby, 1982; Folger, 1987). فولجر انجام سه برآورد و ارزشیابی را برای شناسایی محرومیت نسبی ضروری می‌داند: اول این‌که نابرخورداری توسط فرایندی مشروع ایجاد شده باشد و افراد این نابرخورداری را نامنصفانه تفسیر کنند. دوم اینکه محرومیت ادراک شده پایدار باشد. وقتی افراد احتمال کمی برای تغییر ببینند، به احتمال زیاد بیشتر احساس افسردگی می‌کنند تا عصبانیت. در مقابل، اگر امکان تغییر شرایط مهیا باشد آن‌ها احساس عصبانیت خواهند داشت. سومین برآوردی که برای تجربه محرومیت نسبی اهمیت دارد قضاوت درباره مسئولیت محرومیت است. برآوردهایی که درباره مسئولیت وجود دارند می‌تواند تجربه احساسی مرتبط با محرومیت ناسزاوارانه را به شیوه‌های مختلفی شکل دهند. به طوری که ممکن است کانون توجه را از خود به شخص، گروه یا نظام دیگری تغییر دهند. اگر افراد خودشان یا وضعیت‌شان (مانند بدشانسی یا سرنوشت) را مسئول نتیجه منفی بدانند احساس اندوه و افسردگی خواهند کرد. اما اگر یک رویداد منفی را به تبعیض توسط گروه یا فرد دیگری نسبت دهند عصبانی خواهند شد؛ به ویژه اگر معتقد باشند که آن نماینده مسئول قصد آسیب به آن‌ها را داشته است (Folger, 1987).

یکی از متغیرهایی که محرومیت نسبی بر آن تأثیر می‌گذارد هویت اجتماعی به طور عام و هویت ملی افراد است. هویت ملی مانند ملاتی است که اجزا مختلف گروه­های جمعیتی و قومی را به هم وصل می­کند و باعث انسجام گروه­های جمعیتی و قومی در کشور می­شود. هویت اجتماعی برداشت افراد از خود است که از عضویت ادراک شده، در گروه‌های اجتماعی ناشی می‌شود. از نگاه تاجفل هویت براساس «احساس تعلق» تعریف می‌شود و عضویت گروهی را شامل سه عنصر معرفتی یا شناختی، عنصر ارزشی و عنصر عاطفی و احساسی می‌داند. تاجفل به طور کلی سه بعد برای هویت قائل است: آگاهی، تعلق و تعهد یا آگاهی برای عمل. این سه مؤلفه بر روی‌هم ایستار شخص درباره عضویت در گروه را تشکیل می‌دهند. آگاهی گروهی به معنای آگاهی بر مشترکات و باورها و اعتقادات و هنجارهای مشترک دارد به گونه‌ای که این مشترکات منجر به تعقیب یک هدف مشترک در گروه می‌شود. تعلق به معنی اشتراک در عقاید و ویژگی‌های مشترک است تا خود را در «ما» باز شناسیم. علقه به گروه نیز احساس مثبت یا گرایش به درون‌گروه «دوستی بین شخصی» و «احساس تعلق به جذب به گروه» نیز معرفی می‌شود. مؤلفه تعلق گروه به دنبال خود «احساس تعهد و وظیفه به دیگران، وفاداری به ارزش‌ها و اهداف و انتظارات» را به دنبال دارد. بر این اساس منشاء مؤلفه سوم هویت اجتماعی یعنی تعهد نوعی علاقه و دلبستگی عاطفی است. در این بین سه متغیر به ظهور جانبداری درون‌گروه کمک می‌کند: 1) میزان درونی کردن عضویت گروهی توسط افراد به عنوان جنبه‌ای از برداشت از خودشان؛ 2) میزانی که بافت معمول زمینه را برای مقایسة بین گروه‌ها فراهم می‌کند؛ 3) روابط ادراک شده از مقایسة گروه، که به‌خودی‌خود به وسیلة موقعیت‌های نسبی و مطلق درون‌گروه شکل داده می‌شود (Tojfel & Turner, 1979). از نظر تاجفل هویت اجتماعی فرد تابعی از ویژگی‌های فرهنگی آن گروه و مبتنی بر تفسیر درون‌گروه و برون‌گروه است و از جامعه­ای به جامعه دیگر متفاوت است. هویت افراد هر جامعه ویژه آن‌هاست و قابل تعمیم به سایر فرهنگ‌ها و گروه‌های دیگر نیست. هنگامی فرد هویت اجتماعی دارد که هنجارهای گروه بر او تأثیرگذار باشد و این مهم‌ترین شیوه کنترل حجم وسیعی از افراد است که به‌وسیله یکدیگر شناخته می‌شوند. بنابراین تمایزگذاری بین گروه خودی و گروه غیرخودی، مبنای شکل‌گیری هویت اجتماعی است. با این تمایز گذاری، فرد نسبت به گروه خودی یک احساس مثبت و طرفدارانه پیدا کرده و نسبت به گروه غیرخودی تبعیض قائل می‌شود. لذا هنگامی می‌توان در یک جامعه چندقومی از هویت ملی صحبت کرد که درون‌گروه و برون گروهی که بر مبنای قومیت‌ها بوده و عاملی برای تبعیض نسبت به سایر اقوام به عنوان برون‌گروه می‌باشد از میان رفته و درون‌گروهی بنام ملت ایجاد شود که همگی اعضای آن با دست یافتن به هویت ملی، احساس طرفدارانه و مثبتی نسبت به هم پیدا کنند.

پتا و واکر (1992) در بررسی رابطه بین هویت قومی و محرومیت نسبی فردی مدلی طراحی کردند که بتوانند محرومیت نسبی فردی و محرومیت نسبی گروهی را در دو بعد شناختی و ادراکی سنجش نمایند. ایشان مدل خود را براساس نظرات رانسیمن سامان داده بودند که بعدها توسط اسمیت و همکارانش (2014) تکمیل شد. رانسیمن (1966) در تدوین مدل محرومیت نسبی دو نوع مقایسه که ممکن است منجر به محرومیت نسبی شود را شناسایی کرده است. این دو نوع مقایسه عبارت است از: مقایسه‌های میان‌فردی با اعضای درون سازمان (محرومیت نسبی فردی) و مقایسه‌های میان‌گروهی (محرومیت نسبی گروهی) شود. ولی اسمیت و همکارانش (2012) یک بعد دیگر مقایسه یعنی «مقایسه با اعضای خارج از گروه» را بر این مدل افزودند. اسمیت و همکارانش محرومیت نسبی در سه مرحله تعریف کرده­اند: 1) مقایسه: باید مقایسه‌هایی توسط افراد انجام شوند. اگر کسی مقایسه‌ای نکند، محرومیت نسبی وجود نخواهد داشت؛ 2) دوم برآورد یا ارزیابی: یعنی باید یک ارزیابی شناختی وجود داشته باشد که باعث شود افراد احساس کنند خود یا گروه‌شان در محرومیت قرار دارد؛ 3) ادراک محرومیت: این‌که محرومیت ادراک‌شده باید ناعادلانه تشخیص داده شود. یعنی ادراک‌کننده فکر می‌کند که خود یا گروهش سزاوار شرایط بهتری هستند و این منجر به خشم و رنجش می‌شود. بر اساس این مدل پنج نوع مقایسه شناختی و سه نوع ارزیابی شناختی محتمل است: مقایسه‌های میان‌فردی با اعضای درون گروه (محرومیت نسبی فردی) و مقایسه‌های میان‌گروهی (محرومیت نسبی گروهی)، مقایسه فرد با گذشته یا آینده گروه و خود و مقایسه منزلت و موقعیت خود با اعضای خارج از گروه. در این باره باید به چند نکته توجه کرد: اول اینکه هر نوع مقایسه پیامدها و نتایج متفاوتی دارد. به عبارت دیگر، باید تناسبی میان سطح مقایسه و سطح پیامد و نتایج وجود داشته باشد. بنابراین، محرومیت نسبی فردی در وهله اول با نتایجی در سطح میان‌فردی و محرومیت نسبی گروهی با نتایجی در سطح میان‌گروهی پیوند می‌خورد. محرومیت نسبی فردی می‌تواند بر نتایج در سطح گروه نیز تأثیر بگذارد ولی این تأثیر به میزان زیادی با افزایش محرومیت نسبی گروهی تعدیل می‌شود. نکته مهم دیگری که در این مدل آمده و در مدل‌های قبلی بدان توجه نشده است مقایسه با یک عضو خارج از گروه است. اگر محرومیت ادراک شده ناعادلانه در نظر گرفته شود، می‌تواند منجر به نتایج میان‌فردی یا میان‌گروهی شود.

علی‌رغم اینکه محرومیت نسبی و هویت اجتماعی به صورت دو نظریه مستقل توسعه پیدا کرده‌اند بین آنها اشتراکات و پیوندهایی وجود دارد. به طور خلاصه می‌توان گفت دیدگاه محرومیت نسبی بر توضیح رفتار اجتماعی و نظریه هویت اجتماعی بیشتر فرایندهای روان‌شناختی درگیر در ادراک خود و دیگران را از نظر عضویت‌های گروهی توجه می‌کنند. « هویت­یابی گروهی» به عنوان یکی از سازه‌های اصلی پیوند بین نظریه محرومیت نسبی و هویت اجتماعی است. نظریه محرومیت نسبی بیشتر بر پیامدهای رفتاری نابرابری درآمدی (ادراک‌شده) و بی‌عدالتی اجتماعی تاکید دارند، نظریه هویت اجتماعی بر ادراکات میان‌گروهی تمرکز کرده است. سه موضوع کلیدی می‌توانند به یکپارچه‌سازی بینش‌های حاصل از نظریه محرومیت نسبی و هویت اجتماعی کمک کنند:

1) ارزیابی وضع موجود: نظریه محرومیت نسبی تاکید دارد که ارزیابی موقعیت فعلی مستقل از نتایج عینی است و به ارتباط آن با مرجع مقایسه بستگی دارد. هم برای نظریه محرومیت نسبی و هم برای نظریه هویت اجتماعی پاسخ این سؤال که افراد احتمالاً کدام مقایسه‌ها را انجام می‌دهند حیاتی است.

2) واکنش‌های رفتاری: وقتی هدف پیش‌بینی پیامدهای احتمالی تجربه محرومیت باشد، عدالت ادراک‌شده نتایج جاری به عنوان عاملی مهم در نظریه محرومیت نسبی (استحقاق) و نیز نظریه هویت اجتماعی (مشروعیت) ظاهر می‌شود. نظریه محرومیت نسبی پیشنهاد می‌کند که بی‌عدالتی ادراک‌شده نتایج جاری، یکی از انگیزاننده‌های مهم اقدام رفتاری است که هدفش اصلاح این بی‌عدالتی می‌باشد. ولی نظریه هویت اجتماعی با بیان این‌که شیوه رفتار با افراد می‌تواند بر تعریف آن‌ها از خود تأثیر بگذارد، به ما امکان می‌دهد که ماهیت احتمالی رفتار متعاقب اقدام را پیش‌بینی کنیم. در نتیجه، ملاحظات مربوط به مشروعیت می‌تواند تعیین کند که آیا افراد احتمالاً بیشتر درگیر مقایسه‌های بین شخصی می‌شوند یا میان‌گروهی و در نتیجه این ملاحظات، مناسب‌ترین روش اقدام را (به عنوان یک فرد یا عضوی از گروه) نشان می‌دهند.

3) بهبود در مقابل حمایت: نظریه هویت اجتماعی بیشتر بر پیامدهای وضعیت اجتماعی پایین‌تر تمرکز دارد، درحالی‌که نظریه محرومیت نسبی بیان می‌کند که احساس محرومیت می‌تواند صرف نظر از جایگاه اجتماعی عینی فرد رخ دهد. در نتیجه از منظر محرومیت نسبی اعضای دارای جایگاه بالا در گروه ممکن است رفتاری مثل اعضای دارای جایگاه ضعیف‌تر در گروه را تجربه کنند.

بنابراین، به نظر می‌رسد سازه هویت­یابی گروهی می‌تواند ما را قادر سازد که پیش‌بینی‌های هویت اجتماعی را با بینش‌های نظریه محرومیت نسبی مرتبط کنیم. بااین‌حال، برای این‌که این ارتباط با موفقیت ایجاد شود، باید به مفهوم تعیین هویت گروهی اشاره شود؛ ولی قبل از آن سؤال مهمی که می‌توان مطرح کرد این است که تفاوت در تعیین هویت چگونه پدید می‌آید؟ آیا این امکان وجود دارد که عواملی را که احتمالاً منجر به سطوح افتراقی تعیین هویت ‌گروهی در وضعیت یکسان گروه‌ها شوند مشخص کرد. به عبارت دیگر، هنگام بررسی واکنش‌های محتمل افراد متعلق به گروه‌های اجتماعی محروم، تحت چه شرایطی اعضای گروه احتمالاً از بقیه گروه فاصله می‌گیرند یا با سایر اعضای گروه همبستگی نشان می‌دهند؟ مسلماً، برخی تغییرات میان‌فرهنگی هم در این میان وجود دارد؛ یعنی گرایش‌های کلی به شناخته شدن به عنوان عضو گروه در فرهنگ‌های فردگراتر ضعیف‌تر است؛ درحالی‌که افراد فرهنگ‌های جمع‌گرا بیشتر متمایل به انجام مقایسه‌های میان‌گروهی هستند. اولین مسئله‌ای که باید مد نظر قرار گیرد، مبنای عضویت در گروه است. در این زمینه، تمایز میان عضویت‌ در گروهی که خود فرد انتخاب کرده است با عضویتی که از بیرون تحمیل شده، اهمیت زیادی دارد. زیرا افراد بیشتر با عضویت در گروه‌هایی که خودشان انتخاب کرده‌اند شناخته می‌شوند و نه گروه‌هایی که به آن‌ها تحمیل شده است. عامل دومی که می‌تواند به توضیح متغیرها در شناخته شدن با یک گروه دارای وضعیت پایین‌تر کمک کند، روش به دست آمدن نتایج جاری، یا به‌طور خاص‌تر، مشروعیت ادراک‌شده موقعیت فعلی است. در این زمینه مشروعیت می‌تواند به جای این‌که به عنوان عاملی شناخته شود که ندرتا بر شدت واکنش‌های احساسی به محرومیت اثر می‌گذارد، به عنوان یکی از علت‌های محتمل هویت­یابی گروهی شناخته شود. علاوه بر این ابعاد تاریخی موقعیت فعلی، چشم‌اندازهای آینده نیز برای بهبود عوامل تعیین‌کننده تعیین هویت ‌گروهی اهمیت دارد. به‌طور کلی، تا جایی که مرزهای گروه نفوذپذیر باشند، ممکن است افراد سعی کنند که به عنوان راهی برای بهبود وضعیت فردی (تحرک فردی)، از مرتبط شدن با این گروه خاص اجتناب نمایند. این ویژگی‌های اجتماعی- ساختاری لزوماً نشان‌دهنده نحوه مرتبط شدن گروه‌های مختلف هستند، زیرا روابط درون‌گروهی هم می‌توانند بر میزان تعیین هویت گروهی اثر بگذارند.

یکی از پیش‌فرض‌های مهم محرومیت نسبی که شرط لازم برای بروز و شکل‌گیری محرومیت نسبی است مقایسه برون‌گروهی است. مقایسه برون گروهی در صورتی که افراد گروه­های مختلف قومی ارتباط بیشتری با یکدیگر دارند بیشتر خواهد شد. بر طبق نظریه هویت اجتماعی، بخشی از گروه‌های اقلیت (قومی، زبانی، دینی و ...) که ارتباط بیشتری با اعضای برون‌گروه یا گروه قومی مسلط داشته باشند احتمالاً بیشتر از کسانی که ارتباط مستقیم با گروه قومی ندارند به خودآگاهی رسیده و هویت قومی در آنها بیشتر از سایرین تقویت خواهد شد. زیرا کسانی که در ارتباط مستقیم با اعضای برون‌گروه دارند با مقایسه و شناخت تفاوت‌های خود و دیگری زودتر از سایرین به تمایز که لازمه شکل‌گیری هویت اجتماعی است دست می‌یابند. ولی شواهد نشان می‌دهد که بروز مظاهر قومی که بخشی از آن در شکل‌گیری هویت اجتماعی و محرومیت نسبی ریشه دارد در بین ترک‌زبانان ساکن تهران بسیار کمتر از مناطق ترک‌نشین است. در حالی‌که ترک‌زبانان ساکن تهران با قوم فارس و سایر اقوام ساکن در این شهر در ارتباط مستقیم هستند و لذا امکان دست‌یابی به تمایز قومی در بین آنها باید بسیار بیشتر از ترک‌زبانان ساکن در آذربایجان که با برون‌گروه ارتباط کمتری دارند باشد. حال سؤال این است که محرومیت نسبی چه رابطه‌ای با هویت اجتماعی به طور عام و هویت ملی به طور خاص دارد و همگون بودن و ناهمگون بودن جمعیت چه تاثیری بر میزان و شدت محرومیت نسبی گروهی و همچنین هویت ملی دارد. در این پژوهش شهر تبریز (به عنوان شهری نسبتا همگون) و شهر تهران (به عنوان شهری چندقومی و نسبتا ناهمگون) برای آزمون این مساله انتخاب شده است. اینکه آیا به زعم تاجفل آیا زندگی در شهر ناهمگون شهر تهران باعث تمایزیافتگی بیشتر و در نتیجه افزایش احساس محرومیت شده است و این احساس چه تاثیری بر هویت ملی داشته است.

روش تحقيق

روش تحقیق این پژوهش پیمایش است. جامعه آماری افراد بالای 15 سال شهر تبریز و ترک­های تهران است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران محاسبه شد که برای هر شهر عدد 384 به دست آمد. برای کاهش ضریب تاثیر طرح 15 درصد بر تعداد نمونه اضافه و جمعا 884 پرسشنامه تکمیل گردید. روش نمونه‌گیری، روش نمونه­گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است و نمونه­ها به صورت تصادفی نظام­مند انتخاب شده‌اند. بدین صورت که بعد از تعیین خوشه­ها (مناطق شهرداری به عنوان مبنای خوشه­ها در نظر گرفته شد)، تعداد بلوک­ها بر اساس تعداد نمونه­های هر خوشه (هر 20 نمونه یک بلوک) مشخص و به صورت تصادفی تعیین شد. بعد از تعیین بلوک­ها، تعداد واحدهای هر بلوک مشخص و برای تعیین فاصله نمونه­ها، تعداد واحدهای بلوک بر سهمیه تعیین شده برای آن بلوک تقسیم شد. در انتخاب نمونه­ها سه متغیر جنسیت، تاهل و سن نیز کنترل شده است.

**جدول 1: خوشه­ها، حجم نمونه و تعداد بلوک­های شهر تبریز**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **خوشه­ها** | **مناطق** | **جمعیت کل** | **جمعیت بالای 15 سال** | **تعداد نمونه** | **تعداد بلوک­ها** |
| **۱** | [**منطقه ۱**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B1_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۲۱۸۶۴۷** | **195529** | **62** | **3** |
| **۲** | [**منطقه ۲**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B2_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۱۹۶۵۰۷** | **175730** | **56** | **3** |
| **۳** | [**منطقه ۳**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B3_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۲۲۹۴۷۴** | **205211** | **64** | **3** |
| **۴** | [**منطقه ۴**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B4_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۳۱۵۱۸۳** | **281858** | **88** | **4** |
| **۵** | [**منطقه ۵**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B5_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۱۲۶۱۲۴** | **112789** | **36** | **2** |
| **۶** | [**منطقه ۶**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B6_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۹۸۹۱۰** | **88452** | **28** | **2** |
| **۷** | [**منطقه ۷**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B7_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۱۵۵۸۷۲** | **139391** | **44** | **2** |
| **۸** | [**منطقه ۸**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B8_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۲۹۳۸۴** | **26277** | **8** | **1** |
| **۹** | [**منطقه ۹**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B9_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۶۳۴** | **567** | **4** | **1** |
| **۱۰** | [**منطقه ۱۰**](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87_%DB%B1%DB%B0_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%AA%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%B2&action=edit&redlink=1) | **۱۸۷۹۵۸** | **168085** | **54** | **3** |
| **جمع کل** | | **۱۵۵۸۶۹۳** | **1393890** | **444** | **23** |

جدول 3-3: خوشه­ها، حجم نمونه و تعداد بلوک های شهر تهران

| **خوشه­ها** | **مناطق** | **جمعیت کل** | **جمعیت بالای 15 سال** | **تعداد نمونه** | **تعداد بلوک­ها** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **۱** | **مناطق 1، 2 و 3** | **1,519,460** | **1,329,528** | **77** | **4** |
| **۲** | **منطقه 4 و 8** | **1,344,198** | **1,176,173** | **68** | **3** |
| **۳** | **منطقه 5 و 21** | **1,045,167** | **914,521** | **53** | **3** |
| **۴** | **منطقه 9 و 22** | **350,586** | **306,763** | **18** | **1** |
| **۵** | **منطقه 6 و 7** | **563,578** | **493,131** | **29** | **1** |
| **۶** | **منطقه 10 و 11** | **635,055** | **555,673** | **32** | **2** |
| **۷** | **منطقه 12، 13 و 14** | **1,006,578** | **880,756** | **51** | **3** |
| **۸** | **منطقه 15 و 20** | **1,006,538** | **880,721** | **51** | **3** |
| **۹** | **منطقه 16 و 19** | **529,433** | **463,254** | **27** | **1** |
| **۱۰** | **منطقه 17 و 18** | **693,113** | **606,474** | **35** | **2** |
| **جمع کل** | | **8,693,706** | **7,606,993** | **440** | **22** |

برای گردآوری داده از پرسشنامه محقق­ساخته استفاده شده است. برای تأمین اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار صوری استفاده شده است؛ بدین صورت سؤالات با توجه به چارچوب نظری و الگوی مفهومی طرح تدوین و از صاحب­نظران این حوزه نظرخواهی و نظرات ایشان در پرسشنامه اعمال شد. برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

**جدول 2: شاخص­ها و ضرایب پایایی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **مولفه** | **متغیر** | **ضریب آلفا** |
| **هویت ملی** | **بعد آگاهی هویت ملی** | **0.845** |
| **بعد تعلق هویت ملی** | **0.706** |
| **بعد تعهد هویت ملی** | **0.739** |
| **محرومیت نسبی گروهی** | **احساس محرومیت گروهی** | **0.711** |
| **دلخوری و ناراحتی از محرومیت گروهی** | **0.703** |
| **امید به بهبود محرومیت گروهی** | **0.804** |
| **بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **احساس محرومیت گروهی در حوزه فرهنگی** | **0.776** |
| **دلخوری و ناراحتی از محرومیت گروهی در حوزه فرهنگی** | **-** |
| **امید به بهبود محرومیت گروهی در حوزه فرهنگی** | **-** |
| **بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی** | **احساس محرومیت گروهی در حوزه اقتصادی** | **0.705** |
| **دلخوری و ناراحتی از محرومیت گروهی در حوزه اقتصادی** | **-** |
| **امید به بهبود محرومیت گروهی در حوزه اقتصادی** | **-** |
| **بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی** | **احساس محرومیت گروهی در حوزه سیاسی** | **0.788** |
| **دلخوری و ناراحتی از محرومیت گروهی در حوزه سیاسی** | **-** |
| **امید به بهبود محرومیت گروهی در حوزه سیاسی** | **-** |

يافته ها

**جدول 4-1: جنسيت پاسخگويان**

|  | **تهران** | **تبریز** | **کل** |
| --- | --- | --- | --- |
| **زن** | **144** | **192** | **336** |
| **32.7%** | **43.2%** | **38.0%** |
| **مرد** | **296** | **252** | **548** |
| **67.3%** | **56.8%** | **62.0%** |
| **کل** | **440** | **444** | **884** |
| **100.0%** | **100.0%** | **100.0%** |

ترکيب جنسي پاسخگويان حاکي از آن است که 38 درصد از پاسخگويان زن و 62 درصد مرد است. ترکیب جنسی پاسخگویان به تفکیک شهر نیز نشان می­دهد که 56.8 درصد پاسخگویان تبریزی مرد و 43.2 درصد زن هستند. از بین پاسخگویان تهرانی نیز 67.3 درصد پاسخگویان مرد و 32.7 درصد زن هستند.

**جدول 4-2: سن پاسخگويان**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|  | **تهران** | **تبریز** | **کل** |
| **جوان (15 تا 24 سال)** | **134** | **106** | **240** |
| **30.5%** | **23.9%** | **27.1%** |
| **ميان‌سال (25 تا 44 سال)** | **200** | **260** | **460** |
| **45.5%** | **58.6%** | **52.0%** |
| **بزرگ‌سال (45 سال و بالاتر)** | **106** | **78** | **184** |
| **24.1%** | **17.6%** | **20.8%** |
| **کل** | **440** | **444** | **884** |
| **100.0%** | **100.0%** | **100.0%** |
| **میانگین** | **34.67** | **33.25** | **33.95** |
| **انحراف معیار** | **13.99** | **11.65** | **12.88** |

نتايج به دست آمده از ترکيب سني پاسخگويان نشان مي‌دهد که 27.1 درصد پاسخ‌گويان جوان، 52 درصد پاسخگويان ميان‌سال و 20.8 درصد پاسخگويان بزرگ‌سال هستند. ميانگين سني پاسخگويان نيز 33.95 سال و انحراف معيار نيز برابر با 12.88 است. ترکیب سنی پاسخگویان تهرانی حاکی است که 30.5 درصد جوان، 45.5 درصد میان‌سال و 24.1 درصد بزرگ‌سال هستند. میانگین سنی پاسخگویان تهرانی 34.67 و انحراف معیار آن برابر با 13.99 است. ترکیب سنی پاسخگویان تبریزی نیز نشان می­دهد که 23.9 درصد جوان، 58.6 درصد میان‌سال و 17.6 درصد بزرگ‌سال هستند. میانگین سنی پاسخگویان تبریزی 33.25 و انحراف معیار آن برابر با 11.65 است.

**جدول 4-3: وضعيت تاهل پاسخگويان**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|  | **تهران** | **تبریز** | **کل** |
| **مجرد** | **216** | **212** | **428** |
| **49.1%** | **47.7%** | **48.4%** |
| **متأهل** | **194** | **228** | **422** |
| **44.1%** | **51.4%** | **47.7%** |
| **مطلقه** | **16** | **4** | **20** |
| **3.6%** | **%0.9** | **2.3%** |
| **فوت همسر** | **14** | **0** | **14** |
| **3.2%** | **0.0%** | **1.6%** |
| **کل** | **440** | **444** | **884** |
| **100.0%** | **100.0%** | **100.0%** |

وضعيت تا هل پاسخگويان حاکي از آن است که 48.4 درصد از پاسخگويان مجرد، 47.7 درصد متأهل و 2.3 درصد مطلقه هستند. همچنين 1.6 درصد نيز در اثر فوت همسر خود را از دست داده­اند. وضعیت پاسخگویان تبریزی نشان می­دهد که 47.7 درصد مجرد، 51.4 درصد متأهل و 0.9 درصد مطلقه هستند. از بین پاسخگویان تهرانی نیز 49.1 درصد مجرد، 44.1 درصد متأهل، 3.6 درصد مطلقه و 3.3 درصد نیز همسر خود به خاطر فوت از دست داده­اند.

**جدول 4-6: تحصيلات پاسخگويان**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|  | **تهران** | **تبریز** | **کل** |
| **بی‌سواد** | **8** | **2** | **10** |
| **1.8%** | **0.5%** | **1.1%** |
| **ابتدایی** | **20** | **14** | **34** |
| **4.5%** | **3.2%** | **3.8%** |
| **سیکل** | **50** | **62** | **112** |
| **11.4%** | **14.0%** | **12.7%** |
| **دیپلم** | **152** | **116** | **268** |
| **34.5%** | **26.1%** | **30.3%** |
| **کاردانی** | **40** | **32** | **72** |
| **9.1%** | **7.2%** | **8.1%** |
| **کارشناسی** | **132** | **160** | **292** |
| **30.0%** | **36.0%** | **33.0%** |
| **کارشناسی ارشد** | **32** | **54** | **86** |
| **7.3%** | **12.2%** | **9.7%** |
| **دکتری** | **6** | **4** | **10** |
| **1.4%** | **0.9%** | **1.1%** |
| **کل** | **440** | **444** | **884** |
| **100.0%** | **100.0%** | **100.0%** |

بررسي ميزان تحصيلات پاسخگويان نشان مي­دهد تحصيلات که 48 درصد از پاسخگويان ديپلم و زير ديپلم، 41.1 درصد کارداني و کارشناسي، 9.7 درصد کارشناسي ارشد و 1.1 درصد نيز دکتري هستند. بررسی وضعیت تحصیلات پاسخگویان به تفکیک دو شهر نشان می­دهد که از بین شهروندان تبریزی 43.8 درصد دیپلم و زیر دیپلم و 66.2 درصد دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. از بین شهروندان تهرانی نیز حدود 52.2 درصد دیپلم و زیر دیپلم و 47.8 درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

**جدول 4-61: میزان محرومیت نسبی گروهی پاسخگویان ترک تهران**

|  | **تعداد** | **حداقل** | **حداکثر** | **میانگین** | **انحراف معیار** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **محرومیت نسبی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **43.1661** | **21.10048** |
| **بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **62.9167** | **24.14345** |
| **بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **43.4470** | **22.33632** |
| **بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **56.2879** | **17.52484** |
| **ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی** | **440** | **8.33** | **100.00** | **58.1061** | **22.18623** |
| **ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **57.7273** | **28.98147** |
| **ناراحتی از بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **58.0682** | **27.73155** |
| **ناراحتی از بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **58.5227** | **29.39364** |
| **امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **45.0758** | **25.14940** |
| **امید به بهبود محرومیت فرهنگی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **42.3864** | **29.54647** |
| **امید به بهبود محرومیت اقتصادی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **45.5682** | **28.64073** |
| **امید به بهبود محرومیت سیاسی گروهی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **47.2727** | **27.48896** |

بررسی میزان محرومیت نسبی گروهی و ابعاد آن در شهر تهران نشان می­دهد که میانگین محرومیت نسبی گروهی پاسخگویان ترک شهر تهران برابر با 43.16 و انحراف معیار آن برابر با 21.10 است. بررسی میانگین ابعاد مختلف محرومیت نسبی گروهی نیز نشان می­دهد که بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی در بین ترک‌های شهر تهران با میانگین 62.91 دارای بیشترین میزان میانگین از بین ابعاد مختلف محرومیت نسبی گروهی را داراست. بعد از این بعد، بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با میانگین 56.28 و بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با میانگین 43.44 در رتبه­های بعدی قرار دارند. انحراف معیار بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی برابر با 24.14، بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی برابر با 17.52 و بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی برابر با 22.33 است.

میانگین ناراحتی و دلخوری از محرومیت نسبی گروهی در بین پاسخگویان ترک شهر تهران برابر با 58.10 و انحراف معیار آن برابر با 22.18 است. همچنین میانگین ناراحتی و دلخوری از محرومیت نسبی گروهی در بعد فرهنگی در بین ترک‌های شهر تهران برابر با 57.72، میانگین ناراحتی و دلخوری از محرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی برابر با 58.06 و میانگین ناراحتی و دلخوری ازمحرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی برابر با 58.52 است. انحراف معیار ناراحتی و دلخوری از محرومیت نسبی گروهی در بعد فرهنگی برابر با 28.98، بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی برابر با 27.73 و بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی برابر با 29.39 است.

میانگین امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بین پاسخگویان ترک شهر تهران برابر با 45.07 و انحراف معیار آن برابر با 25.14 است. همچنین میانگین امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد فرهنگی دربین پاسخگویان ترک شهر تهران برابر با 42.38، میانگین امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی برابر با 45.56 و میانگین امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی برابر با 47.27 است. انحراف معیار امید به بهبود بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی برابر با 29.54، امید به بهبود بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی برابر با 28.64 و امید به بهبود بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی برابر با 27.48 است.

**جدول 4-62: میزان محرومیت نسبی گروهی پاسخگویان تبریزی**

|  | **تعداد** | **حداقل** | **حداکثر** | **میانگین** | **انحراف معیار** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **محرومیت نسبی گروهی** | **444** | **6.90** | **96.55** | **50.3262** | **15.84611** |
| **بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **68.7312** | **19.26162** |
| **بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **49.5871** | **19.07419** |
| **بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی** | **444** | **25.00** | **100.00** | **61.6366** | **16.46908** |
| **ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **63.7763** | **20.65133** |
| **ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **62.6126** | **27.47333** |
| **ناراحتی از بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **62.8378** | **24.07777** |
| **ناراحتی از بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **65.8784** | **24.77016** |
| **امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **40.9159** | **20.43696** |
| **امید به بهبود محرومیت فرهنگی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **42.3423** | **26.72762** |
| **امید به بهبود محرومیت اقتصادی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **39.5270** | **24.80400** |
| **امید به بهبود محرومیت سیاسی گروهی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **40.8784** | **24.54127** |

بررسی میزان محرومیت نسبی گروهی و ابعاد آن در شهر تبریز نشان می­دهد که میانگین محرومیت نسبی گروهی پاسخگویان تبریزی برابر با 50.32 و انحراف معیار آن برابر با 15.84 است. بررسی میانگین ابعاد مختلف محرومیت نسبی گروهی نیز نشان می­دهد که بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی در بین شهروندان تبریزی با میانگین 68.73 دارای بیشترین میزان میانگین از بین ابعاد مختلف محرومیت نسبی گروهی را داراست. بعد از این بعد، بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با میانگین 61.63 و بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با میانگین 49.58 در رتبه­های بعدی قرار دارند. انحراف معیار بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی برابر با 19.26، بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی برابر با 16.46 و بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی برابر با 19.07 است.

میانگین ناراحتی پاسخگویان تبریزی از محرومیت نسبی گروهی برابر با 63.77 و انحراف معیار آن برابر با 15.84 است. همچنین میانگین ناراحتی و دلخوری از محرومیت نسبی گروهی در بعد فرهنگی در بین شهروندان تبریزی برابر با 62.61، میانگین ناراحتی و دلخوری از محرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی برابر با 65.87 و میانگین ناراحتی و دلخوری ازمحرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی برابر با 62.83 است. انحراف معیار ناراحتی و دلخوری از محرومیت نسبی گروهی در بعد فرهنگی برابر با 28.98، بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی برابر با 27.73و بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی برابر با 29.39 است.

میانگین امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بین پاسخگویان تبریزی برابر با 40.91 و انحراف معیار آن برابر با 20.43 است. همچنین میانگین امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد فرهنگی دربین پاسخگویان تبریزی برابر با 42.34، میانگینامید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی برابر با 39.52 و میانگین امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی برابر با 40.87 است. انحراف معیار امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد فرهنگی برابر با 26.72، بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی برابر با 24.80 و بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی برابر با 24.54 است.

**جدول 4-39: میزان هویت ملی پاسخگویان ترک تهران**

|  | **تعداد** | **حداقل** | **حداکثر** | **میانگین** | **انحراف معیار** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **هویت ملی** | **440** | **5.00** | **100.00** | **70.4886** | **20.96925** |
| **بعد آگاهی هویت ملی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **78.5682** | **20.01412** |
| **بعد تعلق هویت ملی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **73.1818** | **23.59389** |
| **بعد تعهد هویت ملی** | **440** | **0.00** | **100.00** | **64.1667** | **24.57047** |

بررسی میزان هویت ملی به تفکیک شهرهای مورد بررسی نشان می­دهد که میانگین هویت ملی ترک‌های تهران برابر با 70.48 و انحراف معیار آن برابر با 20.96 است. بررسی ابعاد هویت ملی نیز نشان می­دهد که میانگین بعد آگاهی هویت ملی برابر با 78.56، بعد تعلق برابر با 73.18 و بعد تعهد برابر با 64.16 است. در واقع بعد آگاهی هویت ملی دارای بیشترین میانگین و بعد تعهد هویت ملی کمترین میانگین در بین ابعاد هویت ملی را دارد.

**جدول 4-40: میزان هویت ملی پاسخگویان تبریزی**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | **تعداد** | **حداقل** | **حداکثر** | **میانگین** | **انحراف معیار** |
| **هویت ملی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **58.3333** | **20.47498** |
| **بعد آگاهی هویت ملی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **65.7883** | **20.47264** |
| **بعد تعلق هویت ملی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **61.0736** | **22.73744** |
| **بعد تعهد هویت ملی** | **444** | **0.00** | **100.00** | **57.0571** | **21.22408** |

بررسی میزان هویت ملی در بین ساکنان شهر تبریز نشان می­دهد که میانگین هویت ملی پاسخگویان تبریزی برابر با 58.33 و انحراف معیار آن برابر با 20.47 است. بررسی ابعاد هویت ملی نیز نشان می­دهد که میانگین بعد آگاهی هویت ملی برابر با 65.78، بعد تعلق برابر با 61.07 و بعد تعهد برابر با 57.05 است. در واقع بعد آگاهی هویت ملی دارای بیشترین میانگین و بعد تعهد هویت ملی کمترین میانگین در بین ابعاد هویت ملی را دارد.

**جدول 4-114: رابطه محرومیت نسبی گروهی و هویت ملی ترک‌های تهران**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  | **هویت ملی** | **بعد آگاهی هویت ملی** | **بعد تعلق هویت ملی** | **بعد تعهد هویت ملی** |
| **محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.383-** | **\*\*0.408-** | **\*\*0.292-** | **\*\*0.253-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |
| **ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.266-** | **\*\*0.350-** | **\*\*0.198-** | **0.092-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.053** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |
| **امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.303** | **\*\*0.265** | **\*\*0.222** | **\*\*0.289** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |

نتایج به دست آمده از رابطه محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد که محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.400r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. نتایج به دست آمده از رابطه ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آگاهی و تعلق رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.400r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. بین ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی با بعد تعهد نیز رابطه معنی­دار (0.05 P >) مشاهده نشد. نتایج به دست آمده از رابطه امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی مثبت و مستقیم است. مقدار ضریب پیرسون (0.400r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است.

**جدول 4-115: رابطه محرومیت نسبی گروهی و هویت ملی شهروندان تبریزی**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  | **هویت ملی** | **بعد آگاهی هویت ملی** | **بعد تعلق هویت ملی** | **بعد تعهد هویت ملی** |
| **محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.290-** | **\*\*0.293-** | **\*\*0.222-** | **\*\*0.224-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |
| **ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.231-** | **\*\*0.280-** | **\*\*0.160\*-** | **\*\*0.122-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.001** | **0.010** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |
| **امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.246** | **\*\*0.190** | **\*\*0.219** | **\*\*0.251** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |

نتایج به دست آمده از رابطه محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد که محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. نتایج به دست آمده از رابطه ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. نتایج به دست آمده از رابطه امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی مثبت و مستقیم است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است.

**جدول 4-116: رابطه بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی و هویت ملی ترک‌های تهران**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  | **هویت ملی** | **بعد آگاهی هویت ملی** | **بعد تعلق هویت ملی** | **بعد تعهد هویت ملی** |
| **بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.215-** | **\*\*0.177-** | **\*\*0.174-** | **\*\*0.206-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |
| **ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.167-** | **\*\*0.182-** | **\*\*0.146-** | **0.089-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.002** | **0.063** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |
| **امید به بهبود بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.229** | **\*\*0.189** | **\*\*0.167** | **\*\*0.237** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |

رابطه بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد که بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. رابطه ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آگاهی و تعلق هویت ملی رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.200r < ) نشان می­دهد شدت رابطه این متغیرها ضعیف است. رابطه امید به بهبود بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد امید به بهبود بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه امید به بهبود بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی مثبت و مستقیم است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها ضعیف است.

**جدول 4-117: رابطه بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی و هویت ملی شهروندان تبریزی**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  | **هویت ملی** | **بعد آگاهی هویت ملی** | **بعد تعلق هویت ملی** | **بعد تعهد هویت ملی** |
| **بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.207-** | **\*\*0.218-** | **\*\*0.155-** | **\*\*0.150-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.001** | **0.002** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |
| **ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.193-** | **\*\*0.237-** | **\*\*0.125-** | **\*0.106-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.009** | **0.025** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |
| **امید به بهبود بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.150** | **\*0.102** | **\*\*0.140** | **\*\*0.168** |
| **سطح معناداري** | **0.002** | **0.032** | **0.003** | **0.000** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |

نتایج به دست آمده از رابطه بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد که بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. رابطه ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه ناراحتی از بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها ضعیف است. رابطه امید به بهبود بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد این با هویت ملی و ابعاد آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه امید به بهبود بعد فرهنگی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی مثبت و مستقیم است. مقدار ضریب پیرسون (0.200r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها ضعیف است.

**جدول 4-119: رابطه بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی و هویت ملی ترک‌های تهران**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  | **هویت ملی** | **بعد آگاهی هویت ملی** | **بعد تعلق هویت ملی** | **بعد تعهد هویت ملی** |
| **محرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.366-** | **\*\*0.430-** | **\*\*0.259-** | **\*\*0.209-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |
| **ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.183-** | **\*\*0.277-** | **\*0.111-** | **0.039-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.020** | **0.419** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |
| **امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.316** | **\*\*0.273** | **\*\*0.258** | **\*\*0.280** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |

نتایج به دست آمده از رابطه بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد که بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.500r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. رابطه ناراحتی از بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد ناراحتی از بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آگاهی و تعلق رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه ناراحتی از بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. بین بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی و بعد تعهد رابطه معناداری (0.05 P >) مشاهده نشد. رابطه امید به بهبود بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد امید به بهبود بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه امید به بهبود بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی مثبت و مستقیم است. مقدار ضریب پیرسون (0.400r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است.

**جدول 4-120: رابطه بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی و هویت ملی شهروندان تبریزی**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  | **هویت ملی** | **بعد آگاهی هویت ملی** | **بعد تعلق هویت ملی** | **بعد تعهد هویت ملی** |
| **محرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.154-** | **\*\*0.159-** | **\*\*0.130-** | **\*0.100-** |
| **سطح معناداري** | **0.001** | **0.001** | **0.006** | **0.034** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |
| **ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی** | **ضريب همبستگي** | **0.082-** | **\*\*0.125-** | **0.044-** | **0.018-** |
| **سطح معناداري** | **0.083** | **0.008** | **0.357** | **0.712** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |
| **امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد اقتصادی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.253** | **\*\*0.192** | **\*\*0.246** | **\*\*0.243** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |

نتایج به دست آمده از رابطه بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد که بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.200r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها ضعیف است. نتایج به دست آمده از رابطه ناراحتی از بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد ناراحتی از بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آگاهی و تعلق رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه ناراحتی از بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.200r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها ضعیف است. همچنین بین بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی و بعد تعهد رابطه معناداری (0.05 P >) مشاهده نشد. رابطه امید به بهبود بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد امید به بهبود بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه امید به بهبود بعد اقتصادی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی مثبت و مستقیم است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است.

**جدول 4-122: رابطه بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی و هویت ملی ترک‌های تهران**

|  |  | **هویت ملی** | **بعد آگاهی هویت ملی** | **بعد تعلق هویت ملی** | **بعد تعهد هویت ملی** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **محرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.350-** | **\*\*0.395-** | **\*\*0.282-** | **\*\*0.188-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |
| **ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.265-** | **\*\*0.353-** | **\*\*0.199-** | **0.085-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.076** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |
| **امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.256** | **\*\*0.240** | **\*\*0.162** | **\*\*0.247** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.001** | **0.000** |
| **تعداد** | **440** | **440** | **440** | **440** |

نتایج به دست آمده از رابطه بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد که بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.400r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. رابطه ناراحتی از بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد ناراحتی از بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آگاهی و تعلق رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه ناراحتی از بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.400r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. بین بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی و بعد تعهد هویت ملی رابطه معناداری (0.05 P >) مشاهده نشد. رابطه امید به بهبود بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی ترک‌های تهران نشان می­دهد امید به بهبود بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه امید به بهبود بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی مثبت و مستقیم است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است.

**جدول 4-123: رابطه بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی و هویت ملی شهروندان تبریزی**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  | **هویت ملی** | **بعد آگاهی هویت ملی** | **بعد تعلق هویت ملی** | **بعد تعهد هویت ملی** |
| **محرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.254-** | **\*\*0.243-** | **\*\*0.182-** | **\*\*0.230-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |
| **ناراحتی از محرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.284-** | **\*\*0.315-** | **\*\*0.219-** | **\*\*0.171-** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.000** | **0.000** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |
| **امید به بهبود محرومیت نسبی گروهی در بعد سیاسی** | **ضريب همبستگي** | **\*\*0.195** | **\*\*0.169** | **\*\*0.146** | **\*\*0.200** |
| **سطح معناداري** | **0.000** | **0.000** | **0.002** | **0.000** |
| **تعداد** | **444** | **444** | **444** | **444** |

نتایج به دست آمده از رابطه بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد که بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.300r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. رابطه ناراحتی از بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد این متغیر با هویت ملی و ابعاد سه گانه آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه ناراحتی از بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی منفی و معکوس است. مقدار ضریب پیرسون (0.400r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است. رابطه امید به بهبود بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی شهروندان تبریزی نشان می­دهد امید به بهبود بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی و ابعاد آن رابطه معنی­دار (0.05 P <) دارد. جهت رابطه امید به بهبود بعد سیاسی محرومیت نسبی گروهی با هویت ملی مثبت و مستقیم است. مقدار ضریب پیرسون (0.200r < ) نشان می­دهد شدت رابطه بین این متغیرها متوسط است.

بحث و نتيجه‌گيري

هدف این مقاله بررسی تاثیر محرومیت نسبی گروهی بر هویت ملی ترک­های ساکن تهران و شهر تبریز به عنوان دو جامعه متفاوت از نظر همگونی قومی است. تاجفل معتقد است که زندگی در شهرهای متکثر و چند قومی نسبت به زندگی در شهرهای همگون از نظر قومی با توجه تعاملات بین فردی و بین گروهی، باعث برجسته شدن و شناخت بیشتر شهروندان به تمایزات قومی می­شود و باعث می­شود تا افراد زودتر به تفاوت­های گروه خود با دیگران شده و لذا هویت­های قومی و گروهی تقویت شوند. در نتیجه شناخت به تفاوت­های گروهی می­تواند باعث کاهش هویت­های کلان جمعی از جمله هویت ملی شود. از طرف دیگر نکته محوری در نظریه محرومیت نسبی امکان مقایسه­های فردی و گروهی برای تحقق محرومیت نسبی است. به همین منظور شهر تهران به عنوان یک شهر چند قومی و متکثر که اقوام مختلفی در آن سکونت دارند و شهر تبریز به عنوان شهری نسبتا همگون از نظر قومی برای آزمون این نظریه انتخاب شده است. نتایج نشان داد که هویت ملی ترک­های ساکن شهر تهران بر خلاف نظر تاجفل نه تنها تضعیف نشده بلکه نسبت به شهر تبریز بیشتر و بالاتر نیز است. مساله مهم بعدی تاثیر محرومیت نسبی بر هویت ملی است. طبق نظریه محرومیت نسبی گروهی وقتی افراد احساس می­کنند نابرخورداری و محرومیت آنها به خاطر تعلق به یک گروه اجتماعی است و در مقابل افرادی دیگر به خاطر تعلق به یک گروه قومی دیگر وضعیت مناسب­تری دارند. وقتی فرد این نابرخورداری را نامنصفانه و نامشروع بداند، احساس محرومیت خواهد کرد. این احساس محرومیت در سطح درون­گروهی باعث همبستگی درون­گروهی و تقویت هویت قومی و در سطح برون گروه نیز می­تواند به تضعیف هویت ملی منجر شود. البته با این شرط که عناصر هویتی افراد برون­گروه به عنوان عناصر هویت ملی تعریف شده باشند و از طرف نظام سیاسی حمایت شود. لذا انتظار می­رود محرومیت نسبی گروهی باعث واکنش منفی در گروه­های قومی خارج از قدرت شده و تضعیف هویت ملی آنها را به دنبال داشته باشد. نتایج مرتبط با محرومیت نسبی گروهی نشان داد که میزان محرومیت نسبی گروهی در دو شهر متفاوت بوده و علی­رغم انتظار محرومیت نسبی گروهی در شهر تبریز بیشتر و بالاتر از ترک­های تهران است. در واقع ترک­های ساکن شهر تهران محرومیت گروهی کمتری نسبت به شهروندان تبریزی دارند. در حالی که طبق نظریه اجتماعی تاجفل و نظریه محرومیت نسبی اسمیت انتظار می­رفت با توجه به امکان تعاملات بیشتر بین قومی در شهر تهران و امکان بیشتر مقایسه بین­گروهی در بین ساکنان این شهر، میزان محرومیت نسبی گروهی ترک­های شهر تهران بیشتر از ساکنان شهر تبریز که تعاملات بین قومی و امکان مقایسه بین­گروهی کمتری دارند می­بود. این موضوع دو علت می‌تواند داشته باشد: اول اینکه مهاجرت به تهران و ارتباط با اقوام مختلف و وضعیت بهتر آنها در مقایسه با دیگران باعث بهبود محرومیت نسبی در آنها شده است و آنها در مواجهه با اقوام دیگر و مقایسه وضعیت خود با سایر اقوام ساکن در تهران به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت آنها چندان بد نیست و از وضعیت خود راضی هستند؛ دوم اینکه با توجه به نظریه هویت اجتماعی که بیان می‌دارد در صورتی که شدت تبعیض بیشتر باشد و در مقابل امکان رشد اقتصادی فردی و شخصی فراهم بوده و همچنین مرزهای هویتی محافظت شده نباشند، گروه اقلیت، هویت قومی خود را کتمان کرده و تلاش خواهد کرد هویت و ویژگی‌های قوم مسلط را اخذ نماید. بر این اساس می‌توان این پیش‌فرض را مطرح که شدت تبعیض و نبود امکانی برای تشکل‌یابی برای این افراد برای پیگیری علایق قومی و فرهنگی باعث شده است ترک­های ساکن تهران هویت قومی خود را کتمان و هویت گروهی قوم غالب را اخذ کنند و تلاش کنند خود را به عنوان بخشی از گروه قومی غالب نشان دهند. این مساله با توجه به یکسان­سازی فرهنگی گروه­های قومی در شهر تهران قابل توجیه است.

منابع

حاجياني، ابراهيم (1387)، نسبت هويت ملي و هويت قومي در ميان اقوام ايراني، مجله جامعه شناسي ايران، دوره نهم، شماره 3 و 4، پاييز و زمستان 87، صص 164-143

ربانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ حاجیانی، ابراهیم؛ میرزایی، حسینعلی (1387)، بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تاکید بر محرومیت و جامعه‌پذیری قومی: مطالعه موردی دانشجویان آذری، کرد و عرب، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره 66، زمستان، صص 69-33

Crosby, F. (1976). A model of egoistical relative deprivation. *Psychological review*, *83*(2), 85.

Crosby, F. J. (1982). *Relative deprivation and working women*. Oxford Univ Pr.

Folger, R. (1987). Reformulating the preconditions of resentment: A referent cognitions model. In J. C. Masters & W. P. Smith (Eds.), *Social comparison, social justice, and relative deprivation: Theoretical, empirical, and policy perspectives* (pp. 183–215). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.

Johnstone, R. L. (2015). *Religion in society: A sociology of religion*. Routledge.

Martin, J., & Murray, A. (1984). Catalysts for Collective Violence: The Importance of a Psychological Appraoch. In Folger, R. G. (Ed.). (1984). *The sense of injustice: Social psychological perspectives*. Springer Science & Business Media.

Petta, G., & Walker, I. (1992). Relative deprivation and ethnic identity. *British Journal of Social Psychology*, *31*(4), 285-293.

Runciman, W. G. (1966). Relative deprivation & social justice: Study attitudes social inequality in 20th century England.

Smith, H. J., & Huo, Y. J. (2014). Relative deprivation: How subjective experiences of inequality influence social behavior and health. *Policy Insights from the Behavioral and Brain Sciences*, *1*(1), 231-238.

Smith, H. J., & Leach, C. W. (2004). Group membership and everyday social comparison experiences. *European Journal of Social Psychology*, *34*(3), 297-308.

Smith, H. J., & Pettigrew, T. F. (2011). Relative deprivation theory. *The Encyclopedia of Peace Psychology*.

Smith, H. J., & Pettigrew, T. F. (2015). Advances in relative deprivation theory and research. *Social Justice Research*, *28*(1), 1-6.

Smith, H. J., & Spears, R. (1996). Ability and outcome evaluations as a function of personal and collective (dis) advantage: A group escape from individual bias. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *22*(7), 690-704.

Stouffer, S. A., Suchman, E. A., DeVinney, L. C., Star, S. A., & Williams Jr, R. M. (1949). The American soldier: Adjustment during army life.(Studies in social psychology in World War II), Vol. 1.

Tajfel, H., & Turner, J (1979). An integrative theory of intergroup conflict. In W Austin& S.Worchel (Ed.) the social psychology of intergroup relations (pp33-47) Chicago: Nelson- Hall.

Tougas, F., & Beaton, A. M. (2008). Personal relative deprivation: A look at the grievous consequences of grievance. *Social and Personality Psychology Compass*, *2*(4), 1753-1766.

Plural city, relative deprivation and national identity: Analysis of the role of relative deprivation and urban life in national identity

|  |  |
| --- | --- |
| **Esmaiel Jahani Dolatabad**  **Associate Professor of Sociology. Member of the Faculty of Mohaghegh Ardabili. Ardabil. Iran**  sml.jahani@gmail.com | **Hossein Heidari**  **Assistant Professor of Sociology. Member of the Faculty of Human Sciences and Social Studies, ACECR. Tehran. Iran**  Heidari@acecr.ac.ir |
| **Saeed Kabiri**  **Assistant Professor of Sociology. Member of the Faculty of Human Sciences and Social Studies, ACECR. Tehran. Iran**  Kabiri@ihss.ir | **Javad Maddahi**[[2]](#footnote-2)  **Assistant Professor of Sociology. Member of the Faculty of Human Sciences and Social Studies, ACECR. Tehran. Iran**  gmaddahi@ihss.ir |

## **Abstract**

Relative deprivation refers to a mental attitude and not necessarily an objective situation, which is mostly achieved through comparing oneself or the group to which a person belongs to other people or groups. The purpose of this article is to measure the degree of relative deprivation among the citizens of Tabriz and Turks living in Tehran and to evaluate the impact of relative deprivation on the national identity of these two groups. The theoretical framework of social identity research is Tajfel, who believes that communication between ethnic groups and living in a multi-ethnic environment strengthens differentiation and, as a result, strengthens intra-group identities. The research method is survey and statistical population of Turks in Tehran and citizens of Tabriz. The sample size includes 880 samples (440 samples from Tehran and 440 samples from Tabriz) which was calculated through Cochran's formula. The sampling method is a multi-stage cluster sampling method and the samples were randomly selected after determining the blocks. The research tool is a researcher-made questionnaire. The findings of the research showed that the level of relative group deprivation among the citizens of Tabriz is higher than that of resident Turks. Among the dimensions of relative group deprivation, the intensity of relative cultural deprivation is higher than the economic and political dimensions, and the rate of citizens of Tabriz is higher than that of Turks living in Tehran. On the other hand, the level of national identity of Turks living in Tehran is higher than the citizens of Tabrizi. Among the dimensions of national identity, the dimensions of awareness, commitment, and commitment have the highest levels, respectively. The results showed that the plural atmosphere of Tehran city, contrary to Tajfel's opinion, who believes that multi-ethnic cities cause more identity differentiation, has caused more convergence among its residents and has helped to reduce the relative deprivation of groups. On the other hand, the same ethnic atmosphere in the city of Tabriz has strengthened the perception of group discrimination and strengthened the relative deprivation of a group in that space.

**Key words:** identity differentiation, national identity, social identity, relative group deprivation.

1. . Martin & Murray [↑](#footnote-ref-1)
2. 1-Corresponding Author [↑](#footnote-ref-2)